



حیات و حرکت میرزا محمد باقر رضوی (۱۳۴۲-۱۲۷۰ هـ.ق)

غلامرضا جلالی

تألیف و تدریس در آستان قدس رضوی از طرحهای علمی بود که به منظور اشاعه فرهنگ اسلامی و ترویج مبانی فکری ائمه معصومین، قرنهای دوام داشته است. بر اساس این سنت سعی می شد آستان قدس رضوی، اساساً به یک مرکز علمی شیعی تبدیل شده و کانون نشر افکار بلند امامان معصوم باشد و علما و دانشوران مؤمن شیعه به منظور بهره گیری از فضای قدسی حرم، در رواقهای آن سکونت یافته و به تألیف و تدریس و ترکیه می پرداختند.

بر اساس این سنت، یکی از بهترین اساتید حوزه به عنوان مدرس اول آستانه برگزیده شده و طی ابلاغ رسمی از سوی تولیت، از ایشان جهت تدریس دعوت

می گردید. تولیت با تأمین هزینه زندگی مدرسین و مؤلفین در محل، بنیاد علمای جویندگان تشنه کام علوم بخصوص علوم قرآنی را تقویت می کرد. مدرسان همه روزه در حرم حضور یافته و برای دانشجویان خود فقه، اصول، حدیث، تفسیر، نجوم و ادب را تدریس می کردند. از مدرسان نامدار آستان قدس می توان به نام میرزا حبیب الله رضوی، میرزا عبدالله رضوی، میرزا نورالدین معروف به مدرس نیشابوری، میرزا نصرالله، میرزا عبدالرحمن مدرس، میرزا

محمد علی رضوی، میرزا محمد باقر رضوی، میرزا عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری، میرزا محمد تقی رضوی مدرس و شیخ محمد تقی ادیب ثانی، اشاره کرد. از آن میان، ما در این مجال که این شماره مجله نگاه حوزه به کتاب و کتابخوانی اختصاص یافته است، به حیات و حرکت میرزا محمد باقر رضوی و فرزندش میرزا محمد تقی مدرس رضوی می پردازیم که هر دو از آموزگاران برجسته علوم الهی و خادمان فرهنگ ایران اسلامی و آگاهان به جهان کتاب و دارندگان کتابخانه های پر بها بودند.

تولد و تحصیل میرزا محمد باقر رضوی

میرزا، شب ۱۷ ربیع المولود ۱۲۷۰ هـ.ق در مشهد، در خانواده علم و فضیلت، چشم به جهان گشود. پدرش میرزا اسماعیل رضوی (۱۳۲۱-۱۲۴۲ هـ.ق) و جدش سید صادق رضوی از علمای برجسته و مدرسین اول آستان قدس بودند.

میرزا در بهار جوانی به تحصیل دانش روی آورد و از محضر اساتیدی چون عمویش میرزا محمد علی مدرس، آخوند ملا غلامحسین شیخ الاسلام از شاگردان بلند پایه حاج ملاهادی



قوانین را تدریس می‌کرد. مدرس دو جلد شرح لمعه را طی دو سال و هشت ماه به آخر می‌برد و دست کم بیش از دویست نفر از محضر او استفاده می‌کردند.

منصب تدریس آستان قدس از زمان نادر شاه در خانواده وی باقی بود. در سال ۱۲۹۹ ه. ق این

سبزواری و سید محمد باقر شهیدی مشهور به شفتی، نوه میرزا هدایت الله، علوم نقلی و عقلی را فراگرفت و در سال ۱۲۹۴ ه. ق به سبزواری رفت و مدتی در آنجا مقیم شد و سال ۱۳۰۶ ه. ق همراه میرزا حبیب الله مجتهد به نجف مشرف شد و مدتی از درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره برد و سال ۱۳۲۵ ه. ق از حاج شیخ حسنعلی تهرانی (متوفی ۱۳۲۵ ه. ق)^۱ و بعدها از حاج

قوانین الاصول، حاشیه فصول، کتابی در احادیث مشکل، کتابی در علم عروض و قافیه، رساله‌ای در علم بدیع، رساله‌ای در احوال ربیع بن خثیم، رساله‌ای در خط و خطاطان و کتاب نفیس شجره طیبه در انساب سلسله سادات رضوی که بعدها به کوشش فرزندش محمد تقی مدرس رضوی به چاپ رسیده از آثار قلمی اوست. میرزا به جمع کتاب اعم از چاپی و خطی عشق می‌ورزید، و کتابخانه او در آن زمان از کتابخانه های مهم مشهد بود. بیش از دو هزار مجلد کتاب چاپی و خطی در کتابخانه وی گردآوری شده بود. در اوقات فراغت، بعضی از کتابهای خطی نفیس را که یک یا چند ورق از ابتدا و انتهای آن افتاده بود از روی نسخه‌های دیگر به دقت و با خط خود می‌نوشت و آنچه ناقص بود نونویسی می‌کرد. تعداد

منصب از عمویش میرزا محمد علی رضوی که قدرت بینایی را از دست داده بود به دستور نیابت تولیت به وی انتقال یافت. او چندین دهه عهده‌دار این منصب بود. و خدمات وی در منابع مختلف، از جمله سفرنامه افضل الملک المعنی کرمانی که در سال ۱۳۰۱ ه. ق مأمور خطه خراسان بود، منعکس است.^۳

تألیف، تصحیح و گردآوری کتاب

میرزای مدرس، علاوه بر تدریس، به مطالعه و تألیف و تصحیح کتاب دلبستگی عمیق داشت. دوره کتاب بحار الانوار علامه مجلسی را با اغلب منابع آن مقابله و با مرکب قرمز تصحیح و اختلاف نسخه‌ها را در حاشیه ثبت نمود. حاشیه بر شرح لمعه، حاشیه بر

مناعت طبع و عزت نفس خارق العاده‌ای داشت و از کسی چیزی نمی‌پذیرفت و از دریافت و جوهر و سهم امام و غیره خودداری می‌کرد و هزینه زندگی را از راه تدریس و خادمی حرم مطهر امام رضا (ع) تأمین می‌کرد و با قناعت زندگی را سپری می‌نمود.

میرزا حسین نوری طبرسی اجازه روایی دریافت کرد.^۲

مدرس از آغاز تحصیل به تدریس پرداخت. علاقه او به تدریس به اندازه‌ای بود که تا آخرین روزهای زندگی دست از آن برنداشت و در حال ضعف و تب شدید هم درس خود را تعطیل نکرد. او روزی چند درس از جمله شرح لمعه و



بسیاری از این کتابهای احیا شده به دست ایشان را در کتابخانه های مشهد و تهران می توان یافت. وی در زمرة خوش نویسان محسوب می شد و کتابهای

ترغیب می کرد و آنها را به مدرسه فرستاد و همه آنها را به کمالات علمی آراست. میرزا، گناه پیش از آغاز درس جویندگان علم را که در محضرش شرکت

حیرت آوری برخوردار بود. مناعت طبع و عزت نفس خارق العاده ای داشت و از کسی چیزی نمی پذیرفت و از دریافت و جوه و سهم امام و غیره خودداری می کرد و هزینه زندگی را از راه تدریس و خادمی

حرم مطهر امام رضا (ع) تأمین می کرد و با قناعت زندگی را سپری می نمود. او خود در شرح حالش می نویسد: "زشت دانستم، علمی که اشرف خصال انسانیت است و اطهر و جوه مظهریت حضرت ربانیت، وسیله کسب زندگانی حیوانیت کنم، لہذا خود را در عرصه قبول مناصب علیہ علمیہ از فتوی و قضا ندیدم، امامت و پیشوایی خلق را هم نپسندیدم، چه هر یک مرکی است صعب القیاده و طریقی است پر خطر و فساد و قوه قدسیہ باید کہ

هادی شود الی سبیل السواء"^۴.

میرزا انسان حق گرا بود و از اظهار حق پروایی نداشت. نظر خود را روشن و بی ملاحظه می گفت، و به علم خود بها می داد و به آن عمل می کرد و از بیان حقایقی که به آنها دست یافته بود بیمی به دل راه نمی داد و نکوهش و ملامت دیگران را سد راه خود نمی دانست. در امر زندگی و معاشرت با دیگران بسیار منظم بود و از پذیرایی مهمانان خود لذت می برد و به نظافت و پاکیزگی اهتمام می ورزید.

میرزا به جمع کتاب اعم از چاپی و خطی عشق می ورزید، و کتابخانه او در آن زمان از کتابخانه های مهم مشهد بود. بیش از دو هزار مجلد کتاب چاپی و خطی در کتابخانه وی گردآوری شده بود. در اوقات فراغت، بعضی از کتابهای خطی نفیس را که یک یا چند ورق از ابتدا و انتهای آن افتاده بود از روی نسخه های دیگر به دقت و با خط خود می نوشت و آنچه ناقص بود نو نویسی می کرد. تعداد بسیاری از این کتابهای احیا شده به دست ایشان را در کتابخانه های مشهد و تهران می توان یافت. وی در زمرة خوش نویسان محسوب می شد و کتابهای زیادی را خود به خط نسخ نوشته بود.

می کردند، پند و اندرز می داد و گوش آنها را با اخلاق و آداب معاشرت آشنا می کرد و مدام یاد آور می شد. تربیت صالحی برای طالبان علوم دینی از تعلیم مهمتر و مفیدتر است. واعظ و منبری هایی که پای درس او می نشستند را مخاطب ساخته و آنها را ارشاد می کرد و آنها را از نقل مطالب ناستوار و بی پایه منع می کرد و از خواندن حدیث های ضعیف سخت جلوگیری می کرد.

میرزا انسانی بسیار فروتن و درای اخلاق نیک و ملکات فاضله کم نظیر بود و با همین احوال از وقار و شہامت

زیادی را خود به خط نسخ نوشته بود.

سلوک زندگی

میرزا محمد باقر همان طور که به تعلیم و تربیت طالبان دانش توجه داشت و آنها را راهنمایی می کرد، از تربیت فرزندان و نزدیکان خود غافل نبود و آموزش آنها را از لازمترین چیزها می شمرد و سعی داشت آنها را با توجه به نیازها و مقتضیات زمان تربیت کند. با آنکه در آن زمان هنوز آموزش زنان مورد توجه نبود و علما با توجه به شرایط آن روز با آن مخالفت می کردند، دختران خود را به آموختن ادبیات فارسی و عربی



اهتمام به امور اجتماعی

میرزا محمد باقر مدرس، انسان تک ساحتی نبود، او انسان اسلام بود. در کنار درس و بحث به مسائل اجتماعی اهمیت ویژه‌ای می‌داد. در مسائل اجتماعی صاحب‌نظر و روشن‌گرا بود و خدمت به خلق رابترین وظیفه خود می‌دانست. وی در انقلاب مشروطیت و جریان تشکیل مرکز ایالتها، به عنوان نماینده

نمایندگی مجلس انتخاب شد ولی از رفتن به مجلس خودداری ورزید. در فتنه طالب‌الحق و توپ بستن حرم، توسط نیروهای تزار روس، درست‌ترین سیاست را در پیش گرفت ولی عدم پیروی رکن‌الدوله والی خراسان از پیشنهادهای وی منجر به فاجعه عظیم تجاوز روسها به حرم و شهادت تعداد زیادی شد.

انجامید. به توصیه پزشکان او را برای دور ماندن از گرمای هوای تابستان به روستای سوران، از توابع شاندیز بردند، ولی هیچ کوششی مؤثر واقع نشد. تا اینکه در بامداد نهم ذی‌الحجه سال ۱۳۴۲ ه. ق روح پاکش از قفس بدن خاکیش به جهان غیب پرگشود و از انتظار نظاره‌گان ناپیدا گردید. جنازه مدرس شب هنگام بر دوش مردمان خوب و مؤمن شاندیز به شهر مشهد حمل شد و بامداد روز عید قربان از باغ منبع تشییع و در پایین پای مبارک در مدخل دارالسیاده دفن شد و عده‌ای از بزرگان علما و شعرا و شاگردانش از جمله بدیع‌الزمان فروزانفر، محقق سبزواری و میرزا طاهر رضوی، در سوگ او مرثیه سرودند.

یادگار ماندگار مدرس

میرزا محمد باقر یادمانهای بی‌شمار معنوی از خود برجای نهاد ولی بدون تردید بزرگترین یادگار ماندگار او فرزند فرزانه‌اش استاد محمد تقی مدرس رضوی است. سید محمد تقی مدرس رضوی شب سه شنبه دوم شوال سال ۱۳۱۳ ه. ق برابر با ۲۸ ماه اسفند ۱۲۷۴ ه. ش در مشهد زاده شد. پنج سالگی به مکتب رفت بعد تحصیلات جدید خود را در مدرسه رحیمیه، یکی از چهار مدرسه جدیدی که

مدرس از آغاز تحصیل به تدریس پرداخت. علاقه او به تدریس به اندازه‌ای بود که تا آخرین روزهای زندگی دست از آن بر نداشت و در حال ضعف و تب شدید هم درس خود را تعطیل نکرد. او روزی چند درس از جمله شرح لمعه و قوانین را تدریس می‌کرد. مدرس دو جلد شرح لمعه را طی دو سال و هشت ماه به آخر می‌برد و دست کم بیش از دویست نفر از محضر او استفاده می‌کردند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

انجمن ایالتی خراسان انتخاب شد و همه امور به دست وی انجام می‌یافت. پس از رحلت مدرس در آخرین ماههای زندگی، انحلال مجلس شورای ملی، انجمن ایالتی گذاشت و گفت دیگر قدرت و توانایی مدرس گفتن ندارم و از همه شاگردان خود وداع کردم و اندوه جانکاهی همه آموخته‌گان مکتبش را فراگرفت و همه آنها با چشم‌گریان از محضرش دور شدند. بیماری مدرس سه ماه به طول



تازه تأسیس شده بود ادامه داد و پس از اتمام دوره هفت ساله آن به مدرسه نسوآب وارد شد و از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری علوم ادب را فرا گرفت و مدتی نزد سید حسن مشکان طبسی (متوفی ۲۸ دی ماه ۱۳۲۷ ه.ش برابر با ۱۸ ربیع الاول ۱۳۶۸ ه.ق) علوم عقلی را فرا گرفت و خارج فقه و اصول را نزد حاج آقا حسین قمی و میرزا محمد آقا زاده دوره دید و از مباحث علمی شیخ

در امر زندگی و معاشرت با دیگران بسیار منظم بود و از پذیرایی مهمانان خود لذت می برد و به نظافت و پاکیزگی اهتمام می ورزید.

حسن برسی و ملا آقا بزرگ سرابی، سید علی سیستانی و میرزا مرتضی مجتهد سجادی (متوفی ۱۳۵۱ ه.ق) و آقا بزرگ حکیم بی بهره نماند و به تشویق پدر به آموختن زبان فرانسوی روی آورد و سال ۱۳۳۸ ه.ق با اجازه پدر به تهران سفر کرد و در محضر خاتم الحکما میرزا محمد طاهر تنکابنی (متوفی ۱۳۶۰ ه.ق) حاضر شد و قسمتی از طبیعیات شفا و کلیات قانون بوعلی را خواند و اجازه تدریس آنها را گرفت. کتاب بصائر نصیریة در منطق تألیف عمر بن سهلان

ساوی رابه خط خویش نوشت و بر استاد قرائت کرد و شرح اشارات را نزد او فرا گرفت و برای تکمیل زبان فرانسه به مدرسه آلیانس فرانسه رفت.

در دوره های دوم و سوم مجلس شورای ملی، میرزا با اکثریت بالا به نمایندگی مجلس انتخاب شد ولی از رفتن به مجلس خودداری

پس از درگذشت پدر منصب تدریس آستانه به ایشان محول شد و ایشان تدریس رشته های راکه آموخته بود به عهده گرفت و چندی بعد از طرف سید محمد تدین، مأمور تدریس در مدرسه دانش مشهد شد و دانش نخستین مدرسه متوسطه مشهد بود. و از سال ۱۳۱۰ ه.ش به تهران منتقل شد و در مدرسه عالی سپهسالار و بعدها در سال ۱۳۱۷ در دانشکده معقول و منقول تدریس کرد.^۵

سید محمد تقی مدرس در بهمن ماه پسال ۱۳۵۵ از طرف دانشگاه تهران منشور استادی ممتاز در دریافت کرد. ایشان همه عمر خود را وقف تدریس و تصحیح و تألیف کرده از کتابهایی که توسط مدرس رضوی تصحیح شده است می توان به آثار زیر اشاره کرد:

المعجم فی معانی اشعار العجم، تاریخ بخارا، آثار علوی ابوحاتم مظفر اسفزاری، دیوان سنائی، مجمل التواریخ، دیوان سید حسن غزنوی، حدیقة الحقیقه سنائی، اساس الاقتباس خواجه نصیر، رسائل خواجه طوسی، بیست باب

شرح ابیات مشکله دیوان انوری، ترجمه میزان الحکمه عبدالرحمن خازنی، مثنویات سنائی غزنوی، تنسوخ نامه ایلیخانی، شجره طیبه، کارنامه بلخ و کتابهای احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، مختصری در احوال و آثار محقق طوسی، تاریخ رجال خراسان و یادداشت های حدیقه سنائی از آثار قلمی اوست.

کتابهای نوشته ها:

۱. مدرس، میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان ص ۳۰۲.
۲. مدرس رضوی، میرزا محمدباقر: شجره طیبه ص ۲۷۵ تهران اسفند ۱۳۵۲.
۳. نسخه خطی سفرنامه خراسان افضل السلک المعی، شماره ۶۲۲، کتابخانه ملی ملک.
۴. شجره طیبه ص ۲۷۴.
۵. کیهان فرهنگی، آبان ماه ۶۳ شماره ۸.